

۱۲۱۲۷۸

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۲۱۲۷۸

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری



دانشکده سینما تئاتر

بایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته

تصویر متحرک

طنز در فیلمنامه نویسی انیمیشن

استاد راهنما

جناب آقای حمید دهقانپور

بخش عملی : انیمیشن "خنده بکن"

استاد راهنما : جناب آقای فرخ یكدانه

پژوهش و نگارش

شیلا توکلی

بهمن ماه ۱۳۸۷

ورود به دفترخانه دانشگاه هنر
شماره ۱۲۱۸۲۱۴
تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۱

۱۲۱۲۶۸



" صور تجلسه قضاوت پایان نامه کارشناسی ارشد "

با تلاوت آیاتی از قرآن کریم و با تاییدات خداوند متعال و استعانت از حضرت ولی عصر (عج) در ساعت 14:00.....
تاریخ: 87/11/20.... جلسه قضاوت پایان نامه کارشناسی ارشد خانم/آقای شیلا توکلی... رشته: تصویر متحرک..
گرایش: کارگردانی انیمیشن با عنوان طنز در فیلمنامه نویسی.. با حضور هیات محترم داوران در دانشکده سینما.
برگزار گردید.

نتیجه ارزشیابی:

قبول با نمره:

۱۱ نمره تمام

موکول به جلسه قضاوت مجدد

مردود

| امضاء | نام و نام خانوادگی | سمت |
|-------|---------------------------|------------------------|
| | آقای دهقانپور | استاد راهنما |
| | آقای یكدانه | استاد راهنمای عملی |
| | | استاد مشاور |
| | | مدیر گروه |
| | آقای سید علیرضا گلپایگانی | نماینده تحصیلات تکمیلی |
| | آقای دکتر سلطانی | استاد داور 1 |
| | آقای سید علیرضا گلپایگانی | استاد داور 2 |
| | آقای سماکار | استاد داور 3 |
| | آقای دکتر سلطانی | استاد داور 3 |

نام و نام خانوادگی رییس دانشکده: آقای دکتر کشن فلاح... تاریخ: 87/11/20... امضاء:

پیشگفتار

تنها بر من وظیفه است که از تمامی اساتید محترم گروه انیمیشن دانشکده سینما و تئاتر که طی این مدت از دانششان بهره مند شدم و مدیریت محترم گروه جناب آقای گلپایگانی و همکاران صدیقشان که این محمل را فراهم آوردند تا بدین مقطع برسم و به ویژه از استادان راهنمایم جناب آقایان دهقانیپور و یکدانه که با صبر و شکیبایی مرا از هدایت ارزشمندشان بهره مند ساختند کمال ستایش را دارم. و سر آخر از خانواده و به ویژه همسرم سپاسگزارم.

شیلا توکلی

چکیده :

با توجه به اظهار قریب به اتفاق فیلمسازان انیمیشن کشورمان مبنی بر کمبود فیلمنامه مناسب جهت تولیدات این هنر - رسانه - صنعت و با عنایت به حجم روز افزون تولیدات سینمایی - جشنواره ای و تلویزیونی در این عرصه که مبتنی بر رگه های طنز بوده اند پژوهش حاضر با در نظر گرفتن غنای ادبی و کهن طنز در آثار متقدمین ضمن بازشناسی معانی - پیشینه و کاربرد منابع طنز و شاخه های گوناگون آن با هدف عملیاتی و کاربردی کردن ظرافت های طنز در داستان و فیلمنامه بخصوص فیلمنامه انیمیشن پرداخته است و پس از بررسی نظریات کلاسیک کمدی و تبیین واژگان مورد بحث به دسته بندی و قانونمند کردن این مهم اقدام نموده است و سعی داشته است با تدقیق در آثار موفق طنز در سینما و انیمیشن فرمول های آن را کلاسه نماید. به این منظور این تحقیق با روش کتابخانه ای گردآوری شده است و مهم ترین نتایج حاصل عبارتند از : دسته بندی راهکارهای نگارش داستان طنز برای فیلمنامه های انیمیشن اما در عین حال نتایج مذکور حاکی است تبدیل این پتانسیل به آثار فاخر نیاز به شناخت کافی از ماهیت و ظرفیتهای موجود دارد.

واژگان کلیدی :

خنده - طنز - کمدی - نظریه - شوخی بصری - داستان - فیلمنامه - انیمیشن

فصل اول :

شاخه های شوخ طبعی
درآمدی بر خنده و شوخ طبعی
۱- چرا می خندیم
خنده در فرهنگ و جوامع

۲- گونه های شوخ طبعی
بذله / لطیفه
هزل

فکاهه
هجو
طنز
کاربرد طنز

فصل دوم :

کمدی

بررسی چند نظرته کلاسیک درباره کمدی

نظریه واقع گرا : افلاطون

نظریه واقع گرا : ارسطو

کمدی ملودرام و جنسیت

کمدی و زنانگی

کمدی پسران و پدران : اقتدار شکنی در کمدی کمدين

پسرها و عروسها : احیاء و دگرگونی در کمدی رمانتیک

ملودرام و کمدی رمانتیک

فصل سوم :

یادداشت‌هایی درباره شوخی بصری

۱- تداخل متقابل دو یا چند واقعه یا فیلمنامه در یکدیگر

۲- استعاره میمیک

۳- تصویر غلط اندازی

۴- حرکت غلط انداز

۵- شبیه انگاری اجسام

۶- شوخی حلال مشکلات

فصل چهارم :

تحلیل داستان

ساختارهای داستانی

ساختار ایستگاه اتوبوس

ساختار درختی

ساختار حلقوی

ساختار ستاره ای

رئوسی ساختار

واقعیت و فانتزی

هدف جادو

شوخی

فصل پنجم :

نگاهی به طنز در انیمیشن

بکارگیری طنز حیوانات ویژگی بارز در انیمیشن دیزنی و رقیبانش

مقدمه :

موضوع این تحقیق طنز در فیلمنامه نویسی انیمیشن است که با هدف پاسخگوئی به نیاز موجود در نگارش فیلمنامه برای تولیدات روزافزون انیمیشن در کشورمان از یک سو و از دیگر سو غنا بخشیدن به ساختار داستانی آثار انیمیشن هماهنگ با عناصر شادی و شوخ طبعی جهت نیل به مقصود جذب مخاطب اینگونه آثار آغاز شده است. فرضیات موجود در این تحقیق عبارتند از :

- ۱- جذابیت و هماهنگی روحی شوخ طبعی با فطرت انسانی در اقوام
- ۲- شناخت صحیح از جانمایه طنز و رتبه بندی آثار شوخ طبعانه
- ۳- دسته بندی راهکارهای نگارش و بکارگیری بصری فکاهه و طنز
- ۴- استفاده از شوخ طبعی و کمدی در حیطه ی انیمیشن برای جذب مخاطب اینگونه تولیدات

سوالات اصلی این تحقیق بدین شرح در نظر گرفته شده است:

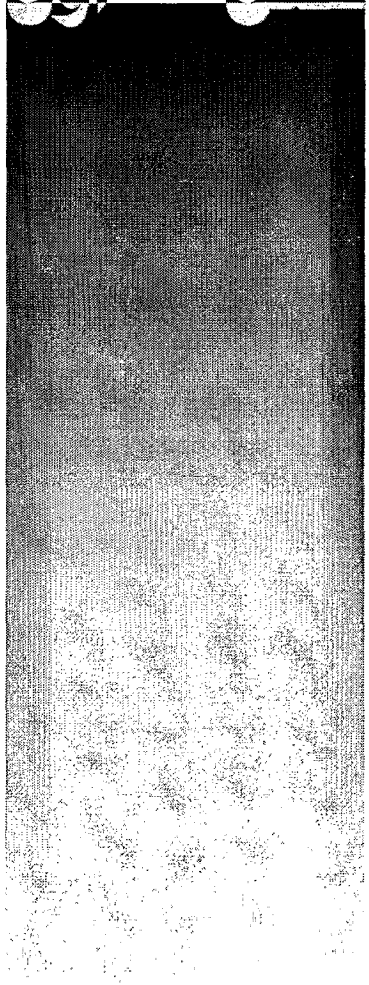
- ۱- چرا می خندیم
- ۲- نقش فرهنگ در خنده چیست
- ۳- تعاریف شوخ طبعی کدام اند
- ۴- تعاریف کلاسیک کمدی در نمایشنامه شامل چه عواملی است
- ۵- کمدی در آثار سینمایی در کدام نقطه قرار دارد
- ۶- فرمولهای رسیدن به شوخی بصری جهت کاربرد انیمیشن و سینما چیست

۷- کمپانی های موفق در سراسر جهان در این پیشینه چه کرده اند

روش تحقیق نیز کتابخانه ای و دربرخی موارد مشاهد‌های بوده و سعی می‌شود تا ضمن وفاداری به الزامات آکادمیک تاثیرات مخاطب و عرصه حضور نیز حفظ گردد. برای شخص نگارنده بسیار مهم است که در پایان قرائت این صفحات خواننده در جایگاه تولیدکننده تعریف دقیقی از عناصر ساختاری داستان و طنز بدست آورد. از این رو در فصل‌های پنجگانه‌ی این پایان‌نامه کوشش می‌کنیم تا خط سیر شناخت و معرفت نسبت به تعابیر تا مثالهای کاربردی را طی نمائیم.

لازم به ذکر است به دلیل کمبود فعالیت پژوهشگران در این عرصه و جوان بودن مباحث علمی در خصوص انیمیشن متاسفانه پیشینه تحقیق بسیار لاغرتر از حد انتظار بود و از این رو سعی شده از تمامی منابع موجود و مرتبط با طنز- داستان و سینما بهره جوئیم. امید است این حرکت دانشجویی گامی به جلو در پیمودن تسلسل زنجیره ای این جریان باشد و در آینده با کمک و راهنمایی استاتید و دست اندرکاران این رشته مرا در مسیر هدفمند کاری ام قرار دهند.

فصل اول



درآمدی بر خنده و شوخ طبعی

از منظر بسیاری و نگارنده طنز یکی از مهمترین ویژگیها و متعلقات جامعه بشری است و صرف نظر از يك سري وجوه تشابه در جوامع انسانی جهانی هر کشوری دارای قلمرو طنز مختص به فرهنگ خود نیز هست لذا جستجو در عرصه طنز کاریست بس دشوار و عمری چند ساله می‌طلبد، تا جائیکه «جرج برناردشاو»¹ عقیده دارد:

«خطرناکترین بیماری ادبی این است که کسی وسوسه شود درباره، بذله گویی و مطایبه بنویسد، زیرا این کار نشان می‌دهد که آنکس نه از نویسندگی خبر دارد و نه از بذله گویی و شوخ طبعی!!...»

اما چه می‌شود کرد که این بیماری را علایمی نیافتیم ... لذا در این بحث سعی در شناختی اجمالی از طنز و کاربردهای آن در زندگی و زوایای مختلفش خواهیم داشت.

۱- چرا می‌خندیم؟

انسان حیوانی است که می‌خندد. این تعبیری است که مشائیان² از انسان دارند. ارسطو³ می‌گوید: «از میان همه جانوران، تنها آدمیزاد است که می‌تواند بخندد» چرا که لازمه خنده، دریافتی عمیق، فراحسی و عقلانی از رویداهاست، و تیز هوشی و قدرت درک پیچیدگیها، کلید آن است، برخلاف برخی دیگر از رفتارهای آدمی که تنها عواطف و احساسات موجد آن است.

گمان می‌رود از هنگامی که انسان بدی را شناخت و در روابط فردی و جمعی و گذرندگی شر آرام و قرارش را گرفت، کمدی را ساخت تا سپری باشد برای مواجهه با بلاها کژیها و ناراستیها. ارسطو معتقد است که: "تراژدی⁴ از مردان خوب و کمدی از مردان بد تقلید می‌کند." بر این اساس ابن سینا⁵ در شفا می‌گوید که: "مقصود از تراژدی بیان خوبیها و خصلتهای انسانی است، در حالی که کمدی ذکر شر و بدیها را در نظر دارد." اینجاست که خنده کمیک و شوخ طبعانه جنبه بدیهی و آشنا را از رویداد و شخصیت می‌زداید و در سایه این آشنایی زدایی انسان شگفت زده به هنجاری می‌نگرد و آن را نابهنجار می‌یابد. تو گویی حجاب را از چهره پدیده ای زدوده تا حقیقت را به طور عینی به مخاطب باز نمایاند و این بازنمایی مراتبی دارد که بر اساس آن تقسیم بندی گونه های شوخ طبعی امکان پذیر می‌شود.

خنده در فرهنگ و جوامع:

وقتی انسان می خندد در واقع بازتابی از یافته های فکری خود را بروز می دهد که خود میراثی است کهن از تاریخ، جغرافیا، ادبیات و فولکلور و سرانجام مجموعه ای که ما نام فرهنگ را برای آن بر می گزینیم و از وجوه اشتراک آن فرهنگها فرهنگ جهانی پدید می آید. آنچه ما را به خنده وا می دارد باید مورد پذیرش افکار و ذهنیات ما قرار گیرد که خود جدای از فرهنگ قومی و شناخت اقوام مختلف از پیرامون خود نیست.

مثلاً در خاور دور خنده دارای معانی منحصر به فردی است و نقش بزرگی را در آداب معاشرت دارد و نزد خانمها تا قبل از ازدواج خنده قواعد و رسومات خاصی دارد... در مواقع پوزش خاوریان دور خنده بر لب می آورند تا باعث تلطیف خاطر طرف مقابل در برابر عدم دست یابی به خواسته خود شود...

حتی از سفارشات مریبان ورزشهای رزمی خاور دور- چون کونگ فو - خنده در حین ادامه بازی در حال شکست است...

تصویر هفت خدای خوشبختی همگی من جمله: کوچو- دای کو- وی سو- هوتی ین همگی خندانند حتی «بودا» نیز لبخندی به لب دارد...

در بین یونانیان باستان وجود کارناوالهای جشن و شادی و سیرکها که در ابتدا پر بود از حرکات شیرین دلقکها و از عملیات خطرناک آکروباتها در آن خبری نبود و یا وجود تلخکها در دربار شاهان، نمایشنامه های روی حوضی در ایران یا سرودهای شادمانه اعیاد در بسیاری از ممالک اسلامی همگی ریشه در نیاز بشر در هر قوم و کسوتی را به شادی محسوستر می سازد...

اصولاً خنده نقش تلطیف کننده اش را در روزگار حاضر و برخوردهای خشک و بحثهای داغ حفظ کرده و در ادبیات قومی نفوذ کامل خود را متجلی ساخته در زیر به نمونه هایی از مثال اقوام مختلف درباره خنده اشاره می کنیم:

۱- مثل بلغاری: دنیا نمرد - چون خندید

- ۲- مثل برمه‌ای: اگر چهره خندان نداری بهتر است دکان باز نکنی.
- ۳- مثل ژاپنی: برنج سرد را می‌توان تحمل کرد اما لبهای سرد غیرقابل تحملند.
- ۴- مثل داهومی: شوهر خوب مثل پسته‌ی خندان است.
- ۵- مثل تبتی: آدمی اگر عبوس باشد طلا نیز در نظرش تیره است.
- ۶- مثل سودانی: زن باردار اگر نخندد صاحب فرزند پسر نمی‌شود...
- ۷- مثل آذربایجانی: آنکه می‌گرید یک درد دارد و آنکه می‌خندد هزار و یک درد

طنز و مطایبه در اسلام و ادیان الهی

نمونه‌های بسیاری از حکمت‌های طنز آمیز در متون ادیان الهی را می‌توان یافت. من

جمله در «انجیل» آمده است:

نفرین بر شما کاتبان و فریسیان بر شما ریاکاران بر شما رهنمایان کور که به پشه دقیق می‌شوید ولی شتر را می‌بلعید.

و یا حضرت رسول اکرم به «جسان ثابت» می‌فرماید: (مشرکان را هجو کن که جبرئیل

نیز با توست و تو را یاری می‌کند.) «ثعالبی، خاص الخاص، ص ۱۰۲»

از حضرت رسول اکرم (ص) همچنین در جلد دوم اصول کافی نقل شده:

«هر که مومنی را شاد کند مرا شاد کرده است.»

یا، امیرالمومنین علی (ع) می‌فرماید: همانطوریکه تنها و بدن‌ها ملول و خسته می‌شوند و

احتیاج به استراحت پیدا می‌کنند دل انسان نیز گاهی خسته می‌شود و احتیاج به استراحت دارد

در این حال دیگر فکرهای سنگین به او تحمیل نکنید و حکمت‌های ظریف و ذوقیات خوشحال

کننده به او عرضه دارید. «کتاب اهتزاز روح- مباحثی در زمینه زیبایی شناسی هنر مرحوم

مطهری»

و در نهج البلاغه صفحه ۲۹۹ می‌بینیم حضرت علی (ع) بیان می‌نمایند که:

«من بیزارم که در دین شما خشونت ایجاد شود.»

و حضرت باقر (ع) نیز فرموده‌اند: «همانا خدای عزوجل کسی را که میان جمع به

خوشمزگی و شوخ طبعی بپردازد دوست دارد.» (اصول کافی- جلد ۲)

و نقل است که یکی از اصحاب حضرت صادق (ع) از ایشان روایت می‌نماید که امام

فرمود: «هیچ مومنی نیست جز اینکه در او دعابه باشد.»

عرض کردم: «دعابه چیست.»

فرمود: «مزاح»

۲- گونه های شوخ طبعی

تارکوفسکی **Andrei Arsenyevich Tarkovsky** (۱۹۳۲ - ۱۹۸۶) کارگردان و فیلمساز روسی می گوید: «هنرمند به جای همه کسانی حرف می زند که خود قادر به سخن گفتن نیستند» و هنر وقتی قالب شوخ طبعی به خود گیرد، در عرصه‌ای به فراخی دنیای انسانها ناگفته‌ها را وا می‌گوید و در قالبهای گوناگون به تناسب شرایط موجود و نوع نگاه هنرمند گونه‌های متفاوت به خود می‌گیرد. بر این اساس بسیاری تلاش کرده‌اند که شوخ طبعی را به تناسب عمق و غنا قالب و زبان یا موضوع تقسیم‌بندی کنند و تعریف مشخصی از شاخه‌های گوناگون آن ارائه کنند: این تقسیم‌بندی‌ها در طول زمان شکل گرفته و دگرگون شده است. اگرچه در گذشته همه این مفاهیم را در مقوله‌ای به نام هزل می‌گنجانند ولی اکنون تنها بخش خاصی از انواع شوخ طبعی در این قالب می‌گنجد.

این مرزبندی‌ها از سویی نزد همگان یکسان نیست و از سویی دیگر به طور معمول تقسیم‌بندی دقیقی را برای جدا کردن شاخه‌های گوناگون شوخ طبعی به دست نمی‌دهد.

ولی در يك نگاه گذرا، می‌توان گفت شاخه‌های شوخ طبعی را هجو، هزل، طنز، فکاهه و لطیفه دانسته‌اند. در این میان از مطایبه (شوخ طبعی و بذله گویی به حد اعتدال) نیز یاد شده است.

در ادامه معانی لغوی این شاخه‌ها با جمع بندی تطبیقی از فرهنگنامه های دهخدا - لاروس و وبستر می آوریم.

بذله / لطیفه (joke)

در لغت به معنای گفتاری نغز ، مطلبی باریک و نیکو بذله شوخی نکته باریک، دقیقه و نیز اشارات دقیقی است که از آن معنایی در ذهن خطور کند که آن را نتوان تعبیر کرد. در اصطلاح ادبی لطیفه روایت طیب آمیز داستان وار کوتاهی است که بر پیوند حلقه‌های واقعی و تصادفی استوار است و پایان‌بندی آن توأم با اوج کمال و غافلگیری است. لطیفه رایج‌ترین و عامیانه‌ترین اشکال شوخ‌طبعی است که به رغم سادگی و کوتاهی و همه گیر بودن پر از رمز و راز جلوه‌گاه اندیشه و فرهنگ ملت‌هاست و سازندگان آن ، اغلب از میان عوام گمنام برخاسته‌اند.

در تعریف دیگر شاخه‌های شوخ‌طبعی اکثر صاحب‌نظران بر سر تعریف کلی توافق دارند. بر این اساس هجو را ضد مدح و هزل را ضد جد دانسته‌اند.

هزل (humour)

به معنای : لاف _ سخن بیهوده _ مسخرگی _ لودگی _ شوخی و ظرافت کردن با دیگران است. آن را به معنای دروغ و خلاف واقع و باطل سخنان زشت و شرم‌آور به قصد شوخی تفریح و نشاط نیز به کار برده‌اند. واعظ کاشفی نویسنده قرن نهم در تعریف هزل می‌گوید: در لغت سخن بیهوده گفتن باشد و در اصطلاح آن است که شاعر در کلام خود لفظی چند ایراد کند که محک تمام عیار نبود و به میزان صدق سنجیده نباشد و با وجود آن موجب تفریح و تنشیت بعضی طباع گردد.

خواجه نصیر (۵۹۸ - ۶۷۲ ه . ق) از این هم فراتر رفته و اصولاً هزل را کار بی‌شرمان شوخ چشمان و مسخرگان می‌داند که آن را وسیله معشیت خویش ساخته‌اند و با ارتکاب ردایل موجب خنده اصحاب ثروت و صاحبان ناز و نعمت می‌شوند. بی‌شک این تعریف ناظر بر نگاه سوداگرانه‌ای است که هزل‌پردازان در طول تاریخ حیاط ادبی کشورمان به این شاخه از ادبیات داشته‌اند و گاه ابتدایی‌ترین اصول اخلاقی را نیز در مذبح کسب مال یا جاه قربانی ساخته‌اند. بر این اساس قدما اگر چه سخن غیر صدق و مقابل پند و حکمت را هزل نام نهاده‌اند ولی

برخی تا بدانجا پیش رفته‌اند که آن را تعلیم دانسته‌اند. ابن رشیق قیروانی (۴۵۶-۳۹۰ ه ق) و ابوالهلال عسگری (وفات ۳۹۵ ه ق) و تفتازانی (۷۲۲-۳۹۳ ه ق) گفته‌اند که هزل معتبر نزد اهل بدیع که آن را جزو محسنات معنوی می‌شمارند هزلی است که از آن اراده جد کنند و آن چنین است که چیزی بر حسب ظاهر بر سیل لعب و مطایبه ذکر شود و بر حسب حقیقت غرض از آن امر صحیحی باشد. مولانا (۶۰۲ بلیغ - ۶۷۲ ه ق قونیه) نیز این مفهوم را در شعر بیان کرده و گفته است:

هزل تعلیم است آن را جد شنو تو مشو بر ظاهر هزلش گرو
هر جدی هزل است پیش هزلان هزلا جد است پیش عاقلان
و سنایی (۴۷۳ - ۵۴۵ ه ق غزنه) گفته است:
هزل من هزل نیست، تعلیم است بیت من بیت نیست، اقلیم است

فکاهه

اگر هزل به دور از زشت‌گویی بیان شود و تنها هدفش خندانن مخاطب باشد به فکاهه بدل می‌شود. فکاهه صورت تکامل یافته و عمیق هزل است که از جنبه شخصی درآمده و مخاطب عام یافته است و به همین دلیل در همه جا قابل استفاده است و بیشتر بر عنصر طبیعت و خنده تاکید دارد. بر همین اساس برخی فکاهه را معادل humour به معنای مزاح به کار برده‌اند. قدما تا حدودی اصطلاح مطایبه را به همان معنا استفاده می‌کردند و هر سخن خنده‌دار و ملازم با مزاح بذله‌گویی و شوخ‌طبعی را مطایبه می‌نامیدند. بنابراین می‌توان مطایبه را مترادف با فکاهه دانست. با این تفاوت که مطایبه معمولاً شوخیهای لفظی را در بر می‌گرفت در حالی که فکاهه معنای عامتری داشت و به عرصه اعمال و حرکات نیز کشیده می‌شد.

فکاهه در لطیفترین شکل خود به ظرافت تبدیل می‌شود که ذهن و روح را به وجد می‌آورد و به علت عمق و غنا و نرمی در بیان بیش از آنکه خنده مخاطب را برانگیزد او را به شغف واد می‌دارد و آن را از فکاهی متمایز می‌گرداند. در آثار ادبی بزرگان شعر کشورمان از این نمونه‌ها زیاد داریم.

هجو (satire)

همان‌گونه که گفتیم هجو را مقابل مدح دانسته‌اند. هجو در لغت به معنای عیب کسی را

شمردن نکوهیدن کسی را به شعر دشنام دادن سرزنش نکوهش فحش سخن بیهوده و پوچ است و به مفهوم عیب را بر شمردن به منظور تمسخر و انتقاد به کار می‌رود. ماتیو هوگارت در فرهنگ ویستر می‌گوید: هجو یا هجا (satire) یک کار ادبی است از نوعی که در آن زشتیها دیوانگیها و دشنامها گرد هم می‌آیند تا به وسیله آن کسی یا گروهی را تحقیر یا تمسخر کنند. جبران محمود در تعریف هجو گفته است:

نوعی شعر غنایی است که بر پایه نقد گزنده و دردانگیز استوار است. گاهی به سر حد دشنام‌گویی یا ریشخند مسخره‌آمیز درآورد نیز می‌انجامد.

فریود (۱۸۵۶ - ۱۹۳۹ م پایه‌گذار روان‌کاوی) هجو را لطیفه تهاجمی می‌نامد.

زیرا برای حمله و دفاع به کار می‌رود و در عین حال گستاخ و پرده‌در است. البته باید با ظرافت و شوخی همراه باشد و شکل و قالب فاخر ادبی داشته باشد در غیر اینصورت رنگ دشنام به خود می‌گیرد و صرفاً به نوعی استهزای مبتذل شبیه می‌شود.

طنز (irony/satire)

طنز در لغت به معنای افسوس کردن مسخره کردن طعنه زدن، سرزنش کردن، بر کسی خندیدن، عیب کردن، لقب کردن، سخن به رموز گفتن، به استهزا از کسی سخن گفتن و ناز کردن آمده است. در میان انواع ادبی از جهت نقد عیوب و نواقص به هجو نزدیکتر است ولی از جهت زبانی صراحت هجو را ندارد و با ظرافت بیشتری عمل می‌کند. سارتر ^{۱۱} می‌گوید:

طنز با نیشخندی کنایی و استهزاآمیز که آمیخته با ابهامی از جنبه‌های مضحک و غیرعادی زندگی است، پای را از جاده شرم و تملک نفس بیرون نمی‌نهد.

یعنی به طور خلاصه گفته‌اند که طنز از صناعات ادبی و بدیعی اعم از ایهام مراعات نظیر، کنایه، جناس، سجع، نقیضه‌گویی و تجاهل العارف استفاده می‌کند تا نیشخند بزند، آگاه کند، حرکت بیافریند و مخاطب را بیدار سازد، و در نهایت بر خلاف فکاهه و هزل که خنده سرخوشانه مخاطب را بر می‌انگیزد او را به وضع خویشتن بگریاند.

تعریف یحیی آرین پور از طنز در کتاب از صبا تا نیما ناظر بر همین نگاه انقلابی و دست کم اصلاح طلبانه به طنز است:

"طنز عبارت از روش ویژه‌ای در نویسندگی است که ضمن دادن تصویر هجوآمیزی از جهات منفی و ناجور زندگی معایب و مفاسد جامعه و حقایق تلخ اجتماعی را به صورتی اغراق آمیز، یعنی زشت‌تر و بدترکیب‌تر از آنچه هست نمایش می‌دهد، تا صفات و مشخصات آن